



ناصر شیلاتی فرد

وکیل دادگستری

قانون عرف

یا

«کامن لو»

شاید معنی «کامن لو» برای همه روشن نباشد و جسته و گریخته تعریفی لفظی از آن برای دیگران مفهوم باشد، در این مقاله سعی شده است در عین اختصار تا آنجا که مقدور باشد تصویر صحیحی از آن ترسیم گردد. «کامن لو» یکنوع حقوقی است متمایز و مستقل از حقوق رم. قانون مدنی، قانون کلیسا و انصاف، و بالاخره سایر قوانین، و میتوان گفت مجموعه‌ای از تئوریها و قاعده‌های حقوقی است که از عرف سرچشمه گرفته و بمرور زمان در کشور انگلیس تکامل یافته و سپس بصورت فورمولهائی شکل گرفته و صورت اجرائی و همگانی پیدا کرده و در سراسر کشور انگلیس و کشورهای متحده امریکای شمالی و سایر کشورهای مشترک المنافع بصورت سیستم حقوقی حاکم درآمده است. از زاویه دیگر میتوان گفت کامن لو کاملاً متمایز است از قوانین مصوب پارلمان و بعبارت دیگر در آنجا که احیاناً این سیستم دارای رسائی کامل و کافی برای پاره‌ای مسائل جدید علمی و اقتصادی امروزه نباشد آنوقت از پارلمان استمداد میشود و بهر حال کامن لو حاوی مجموع اصول و قواعد حقوقی برای دادرسی است که به دولت و امنیت قضائی افراد و اموال ایشان و آزادی فردی مربوط میشود و منشأ اولیه آنها همان عرف و سنت قدیمی است که از دیرباز بوجود آمده و تصمیمات قضات و محاکم آنرا شناخته‌اند و ضمن آراء و رویه‌های نامحدود خود، عرف و سنن مذکور را جان بخشیده و جلوه داده‌اند و بصورت زنده و حاکم در آورده‌اند.

در کلیه دادگاههای انگلیس منابع حقوقی جهت تطبیق مورد دعوی و صدور

حکم محدود است به مصوبات مجلسین و رویه‌های حقوقی که بصورت گزارشهای مشروح و مستدل گردآوری و مجلد شده است. رویه‌های مذکور که در واقع احکام صادره قطعی پذیرفته شده‌ای است نقش عمده و اساسی در گردش دستگاه قضائی کشور دارد. گرچه آثار حقوقدانان بزرگ اعم از قدما و یا معاصرین کمک بزرگی در شناساندن سیستم حقوقی کشور دارد و یا مؤلفین کتب حقوقی دانشگاهی، راهنمای مفیدی برای محاکم میباشند ولی فرق است بین منابع رسمی قانونی و منابع غیررسمی. وظیفه اولیه قاضی آنست که نسبت به دعوی مطروحه در نزد او براساس منابع حقوقی پذیرفته شده که بصورت شاهراه همواری در برابرش قرار گرفته، راه صحیح را به پیماید و اتخاذ تصمیم کند. این امر در بسیاری از موارد صادق است ولی هنگامیکه نکات تازه‌ای ظاهر شود فرضیه جاری بصورت پراهمیت‌تری جلوه‌گری مینماید. در چنین موردی شیوه اقدام این است که قاضی مربوطه از میان مطالب پذیرفته شده جاری قاعده‌ای را استخراج میکند و در واقع قاضی بطور آگاهانه یا ناخودآگاهانه قاعده‌ای را ابداع میکند که بنظر میرسد با دکترین پذیرفته شده سازگار است و آنوقت اعلام میکند که در امر متنازع‌فیه قانون انگلستان چنین است. بدین ترتیب، قاضی وظیفه‌اش تعیین و اعلام قانون است نه وضع آن. این عادت دیرینه تا آن حد با فکر قاضی عجین و سرشته شده است که غالباً «کامن‌لو» را مجموعه کاملی از قوانینی که همیشه موجود بوده‌اند تصور میکنند گرچه هرکس سرو کارش با قانون است در کاوش و یافتن رویه‌های حقوقی ناچار است که رشد تدریجی و تاریخی قسمتی از حقوق انگلستان را بررسی کند.

ولی بمعنای وسیع کلمه، «کامن‌لو» عبارتست از سیستم حقوقی و عادات تفکر حقوقی که فرد انگلیسی آنرا تکامل بخشیده است. در این معنی تمایز خود را با حقوق رم متجلی میسازد. و از روزگاران کهن اصل بر این جاری بوده که در هر نقطه‌ای از جهان که افراد انگلیسی مهاجرت نموده و سکونت گزیده‌اند قانون خود را نیز همراه برده‌اند و تا سرحد امکان با شرائط جدید اقلیمی آنرا وفق داده‌اند در حالیکه سرزمین‌هاییکه از قدرت‌های متمدن بدست آمده قانون جاری سرزمین تازمانیکه حکومت جدید آنرا تغییر نداده بقوت و اعتبار خود باقی میماند. بنابراین مقدمه مذکور در کشورهای مشترک‌المنافع «کامن‌لو» زیربنای سیستم حقوقی کشورهایی بوده است که زیر نفوذ انگلستان قرار گرفته‌اند. اما در کشورهاییکه خودشان سیستم موجودی از نظر حقوقی دارند. (مانند حقوق فرانسه در کشور کانادای سفلی و حقوق رم و هلند در افریقای جنوبی) پایه وزیربنای حقوقی نوعاً همان سیستم فرانسه - هلند و یا اسپانیا است. اصل فوق‌الذکر نیز در کشورهای امریکای شمالی که سیستم «کامن‌لو» را انگلیسها بدان محل برده بودند بعنوان يك میراث حقوقی تازمانیکه سیزده کشور مذکور بصورت اتازونی (کشورهای متحده) درآمده و از یوغ استعمار بخارج گردید کماکان باقی و دست‌نخورده مانده است. در جزایر بریتانیا سیستم «کامن‌لو» ویلز و ایرلند را تحت سلطه اثر خود قرار داد ولی اسکاتلند همچنان سیستم حقوقی خود

را که سیستم جداگانه‌ای با سنت و رویه سیستم حقوقی و سازمانهای قضائی متفاوت است حفظ کرده. بحث مادر این مقاله محدود است به «کامن‌لو» و حقوق رم.

«کامن‌لو» یا حقوق رم پایه سیستم‌های حقوقی مدرن است. حقوق رم تنها حقوق قرن دوم میلادی نیست بلکه قانون ژوستینین است که با جلوه روشنی در سراسر منطقه گسترش و اشاعه پیدا کرد و عبارت بود از توضیح نسبت به توضیح دیگری تا بدانجا که توضیح مذکور با متون اولیه که روی آنها توضیحاتی در زمان‌های مختلف داده شده بود تفاوت کلی داشت و حکم مسئله را تغییر میداد. بعداً حقوق مذکور بنام حقوق رومانسک معروف و بصورت مجموعه‌هایی گردآوری شد و این امر سبب گردید که حقوق رومانسک توسعه بیشتری پیدا کند. اگر حقوق بصورت گردآورده و مجموعه (کد) باشد امکان گرایش و استفاده و اقتباس آن بیشتر است تا حقوقی که مدون نباشد و برای دسترسی به مورد خاص و یا موضوع مورد نظر باید مجموعه گزارشهای مجلد شده را مورد بررسی و کاوش قرار داد. کشور ژاپن برای مدرن کردن سیستم حقوقی خود در آرزوی پیاده‌کردن «کامن‌لو» در کشور خود بود ولی باین جهت که حقوق مدونی وجود نداشت لذا از آن منصرف گردید. کد حقوقی فرانسه و آلمان چون مشخص و سهولت قابل دسترسی بوده است لذا خاور دور و کشورهای امریکای جنوبی برای مطالعه و تقلید حقوق رومانسک به آن روی آوردند. تقسیم کشورها به دو سیستم حقوقی «کامن‌لو» و «رومانسک» کار ساده‌ای است ولی تشخیص اینکه کدامیک از دو سیستم مذکور اجراء میگردد کار دشواری است. یکی از حقوقدانان برجسته در این زمینه گفته است: «بطور قطع چیزی وجود دارد که يك حقوقدان انگلیسی - ایرلندی - امریکائی - کانادائی و یا استرالیائی میتوانند کتب یکدیگر را بخوانند و بفهمند و تصمیمات قضائی یکدیگر را بکار برند و خود را با سیستم قانونگذاری یکدیگر وفق دهند ولی نمیتوانند استدلالات حقوقی دنیای غیر انگلیسی زبان را بفهمند و بنحو مؤثری کتب آنها را مورد استفاده قرار دهند.»

این همان چیزی است که میتوان آنرا «کامن‌لو» نامید. اما واقعاً «کامن‌لو» چیست؟ تا حدودی معنای لفوی کار را روشن میسازد، یعنی حقوقی که در سراسر يك منطقه تعمیم و جریان دارد در عین حال که عادت هر محل هم تأثیر خود را دارد - اما معنای لفظی، وافی بمقصود نیست زیرا آنچه بیشتر مورد نظر است برداشت و استنباط از مفاهیم اصطلاحات حقوقی است که نمیشود يك واژه حقوقی انگلیسی را بزبان دیگر عیناً ترجمه کرد، برای مثال واژه‌ای هست در ترم انگلیسی بنام «Freehold» که اگر بخواهیم معنی و مفهوم حقوقی واژه فوق‌الذکر را بزبان فرانسه توضیح دهیم باید چندین صفحه چیز بنویسیم و شاید بسختی بتوان آنرا با «حق عمری» در حقوق مدنی ایران معادل دانست ولی اساساً در حقوق فرانسه معادلی ندارند و بسیاری از اصطلاحات حقوقی انگلیسی نرم‌انفرنج و لاتین هستند و همین اشکالات احساس میشود. از طرف دیگر اصطلاحات حقوق رم موجب میشود که حقوق رومانسک يك پایه مشترك ارتباطی پیدا کند. برای مثال فرض کنیم که همسایه شما درایام

تعطیلات کریسمس به سفر رفته است و در طول این غیبت، طوفان، خسارتی به بام خانه همسایه شما وارد آورده و از طرفی دسترسی به او هم وجود ندارد و ناچاراً شما بنائی را خبر میکنید و بام صدمه دیده او را مرمت مینمائید تا از ورود خسارت بیشتر جلوگیری شود سپس همسایه از پرداخت حقالزحمه بنا و مخارج خودداری میکند، بنا هم باعتبار اینکه شما باو دستور مرمت داده‌اید دستمزد خود را از شما مطالبه میکند. حقوق انگلستان در چنین موردی اصلی دارد که اگر کسی داوطلبانه برای حفظ حقوق و مصلحت دیگری در زمان غیبت او متحمل هزینه‌ها و خساراتی گردد هیچ تکلیفی در جبران خسارت مذکور ندارد در حالیکه در حقوق رم این موضوع بصورت يك تکلیف شناخته شده است. واگر میخواستیم همین يك موضوع را نزد حقوقدانان کشورهای مختلف مطرح کنیم باید کلمات «تکلیف» «جبران خسارت» «داوطلبانه» و «مصلحت» و غیره را یکایک بزبان هر يك از آنها بنحو قابل فهمی ترجمه و تفهیم کنیم تا بعد ببینیم که پندار حقوقی «Concept» هر کدام نسبت بمورد چگونه است. اما در هر حال نمیتوان موضوع زبان را نادیده گرفت اگرچه به تنهایی گویای مفاهیم حقوقی که خود مولود عوامل گوناگون جغرافیائی - نژادی - تاریخی و غیره است نمیشد ولی بهر حال نقش بسیار مؤثری دارد.

از جمله تفاوت‌هایی که سیستم حقوقی «کامن‌لو» با سایر سیستم‌های دیگر جهان دارد نقشی است که قانون حاصل از نتیجه يك دادرسی که اصطلاحاً آنرا قانون ساخت قاضی مینامند ایفاء میکند بدین معنی که قاضی از بین رویه‌های جاری قضائی موردی را پیدا میکند که ناظر بدعوی مطروحه است و لذا براساس استدلال مرقوم در رویه مذکور حکم صادر مینماید. در سیستم حقوقی «رومانسک» استفاده و استناد به رویه متداول است و نیز در حقوق فرانسه از رویه‌های قضائی که «ژوریس‌پروودانس» نامیده میشود استفاده میگردد و برای گردش امور دادگاهها و دادرسی ابزاری ضروری تلقی میشود. سعی «کامن‌لو» بر اینست که قانون حکومت کند یعنی آنچه که تمام و یا اکثریت مردم برآن عادت دارند و در واقع عرف جامعه میباشد و نیازمندیهای زمان و مردم را پاسخگو میباشد قاضی با آزادی و اختیار مطلق قواعد پذیرفته شده را از لاپلای رویه‌ها منتزع ساخته و در چهارچوب دعوی بصورت يك حکم کلی ناظر بموارد مشابه منعکس میسازد و شعار قضات همیشه این است که قانون حکومت میکند. اما باید دید کدام قانون؟ قانونی که نوشته نشده است و باحالت انعطاف‌پذیری در محدوده قانون اساسی و براساس قدرت تفکر قضائی حاکم دادگاه با رعایت شرائط زمان و نیازمندیهای جامعه میتواند بصورت يك درمان اثربخش اعمال نمود ولی چنانچه تمایز «کامن‌لو» را از سایر سیستم‌ها در تأمین نظم عمومی و نظام حقوقی و آزادیهای فردی بدانیم مسئله‌ای است که منجر به این سیستم نمی‌باشد و اگر تفاوت آنرا در این بدانیم که قدرت و اقتدار دولت ناشی از قانون است که این موضوع امری است که ظاهراً هر حکومتی واجد آن است. ولی تأسف در این است که عبارت «کامن‌لو» با آن همه سروصدا که نشان دهنده يك نظام اجتماعی و قضائی دلپذیر است موضوع

اینهمه معانی مختلف قرار گرفته است.

تنها يك تفاوت بين «کامن‌لو» و سیستم‌های رومانسک (اروپائی) وجود دارد که سبب تمایز میگردد و آنهم مقام و موقعیت و موضع قاضی است بدین معنی که در سیستم حقوقی «رومانسک» يك حقوقدان باید در سنین جوانی تصمیم گیرد که قصد دارد در آینده وکیل دعاوی شود و یا سمت قضاوت را انتخاب خواهد کرد که در صورت اخیر باید از مراحل پائین و بارعایت سلسله‌مراتب‌کار را آغاز کند تا مآل پس از سالها قضاوت به سمت‌های عالی قضائی نائل گردد. اما در سیستم حقوق انگلستان شغل قضائی عملاً از استقلال کامل‌عیاری برخوردار است بدین معنی که قضات محاکم از بین وکلاء برجسته دادگستری که دارای تجارب حقوقی بوده و کمتر از میان سالگی نباشند برگزیده میشوند. ثوری و رویه آنست که بهترین و شایسته‌ترین وکلاء دادگستری سرانجام وارد کادر قضائی میشوند و از تجارب عملی خود که در طول سالیان دراز بدست آورده‌اند در کسوت قضا بهره میگیرند و میتوانند برای جامعه مفید و مؤثر باشند و در عین حال هم با اطمینان و فراغت خاطر دعاوی و مشکلات بزرگ قضائی را فیصله بخشیده و با آزادی کامل اتخاذ تصمیم میکنند بدون آنکه نگران باشند دستگاه اجرائی و اداری در وظائف آنها مداخله خواهد کرد. از سوی دیگر ارباب رجوع و مظلومین، دادگاهها را آخرین پناهگاه و ملجأ میدانند و اطمینان دارند که اگر حقوق و آزادی و احترام فردی آنها مورد بی‌توجهی اشخاص قرار گیرد دادگاهها هستند که در مقام اعاده و جبران آنها برمی‌آیند و با کمال قدرت، اختیارات قانونی خود را در راه مبارزه با زورگوئی و صیانت حقوق فردی بکار میبرند. بدین ترتیب برای وکلایکه تجربه و تخصص در حقوق «کامن‌لو» دارند قاضی بمنزله محترم‌ترین و خرمندترین فرد بشمار می‌آید.

دادرسی در «کامن‌لو»

قدر مسلم آنست که دو سیستم حقوقی در حقوق مترقی انگلستان موجود بوده است یکی اتهامیه و دیگری تفتیشیه. در قرن دوازده و سیزده که سیستم اتهامیه رایج بود، طرفین شکایت، از حقوق متساوی برخوردار بوده و هر دو را به يك چشم مینگریسته‌اند و بدین معنی که هر دو به نزد قاضی حضور می‌یافتند بدون آنکه از طرف قاضی به هیچکدام از آنها کمکی شود و طریق کار از اینقرار بود که زیان دیده سعی میکرد وضع ناجور خود را توضیح دهد و طرف مقابل هم میتواندست اظهارات او را تکذیب کند و قاضی هم قضاوت امر را موکول به «اوردیل» (انجام دادن آزمایشات سخت) یعنی قضاوت الهی مینمود. رفته رفته مقامات کلیسایی با «اوردیل» مخالفت ورزیدند و درمورد نابسامانیها و تخلفاتی که اعضاء کلیسا مرتکب میشدند تصمیم گرفتند يك مقام عالی‌رتبه مذهبی که از هر حیث مورد اعتقاد و اطمینان باشد به اتهام انتسابی رسیدگی نماید و نتیجه بازرسی خود را بعرض اسقف اعظم برساند از اینجا پندار تفتیش برای دادگاهها بوجود آمد که قاضی

خود اقدام به تحقیق از اشخاص و منجمله متهم یا سایر افراد بنماید و چه بسا که اشخاص مورد تحقیق، اتهامات و تاریکی‌های اتهام را روشن می‌ساختند و نتیجتاً سیستم تفتیشیه جایگزین سیستم اتهامیه گردید زیرا بدین ترتیب مسائل رسیدگی و تحقیق می‌گردید و هم‌اینکه هیئت منصفه در معیت قاضی هنگام تحقیقات مزبور حضور داشت و آنها در پایان تحقیق و تحقیق متقابل و تجدید تحقیق اظهار نظر می‌کردند که ادعا یا اتهام وارد است یا خیر. متدرجاً سیستم دادرسی با حضور اعضاء هیئت منصفه همگانی و رایج شده و رأی هیئت منصفه جایگزین قضاوت الهی (اوردیل) گردید و همان اعتقاد و اطمینان را هم به آن داشتند.

پیدایش دادگاههای «چانسلری» در قرن پانزده معرف عقاید سیستم تفتیشیه بود زیرا لرد چانسلر نظریه کلیسائی تحقیق و بازجوئی را در دادرسی‌ها پذیرفت و نتیجه آن شد که چانسلرها خود را مکلف میدانستند که با انجام تحقیقات دقیق از اشخاص دخیل در قضیه، به‌کنه مطلب پی برند و حق و حقیقت را کشف کنند و دریابند که ذیحق چه شخصی است و در این باره از هیچ کوشش و تلاش در راه تحقیق فروگذار نمی‌کردند و به‌سؤالات کتبی و شفاهی از اصحاب دعوی می‌پرداختند و پامخ‌هایی که افراد مورد تحقیق میدادند کلاً با قید سوگند بود تا نتوانند برخلاف واقع چیزی بگویند. علاوه بر این هر یک از متداعیین مکلف بود که هر سند و مدرک کتبی که مربوط به دعوی مطروحه بود ارائه دهد. در این دوران چانسلر فقط به دعاوی حقوقی رسیدگی میکرد و نظرات او حاکم بر دعاوی بوده. قبل از تصویب قانون دادرسی در سال ۱۸۷۳ در دادرسی‌های «کامن‌لو» طرفین دعوی میتوانستند از لرد چانسلر درخواست کنند که او در الزام طرف مقابل مبنی بر ارائه اسناد و مدارک مربوط به دعوی مطروحه کمک کند و این سابقه امروزه نیز در سیستم کنونی وجود دارد و در کلیه دادگاههای مدنی دادگاه میتواند بنا بر درخواست یک طرف، طرف دیگر را ملزم به ارائه اسناد مربوطه نماید. باینجهت لرد چانسلر دیگر فرصتی نداشت که به‌امور کیفری پردازد و از این رو در محاکم کیفری، تحقیقات و بازجوئی‌های الزام‌آور و تکلیفی بصورتیکه بیان شد راهی باز نکرد.

با توضیحی که معروض گردید میتوان گفت در امور مدنی سیستم تفتیشیه را برای امور کیفری و سیستم اتهامیه را برای امور حقوقی بکار می‌برند.

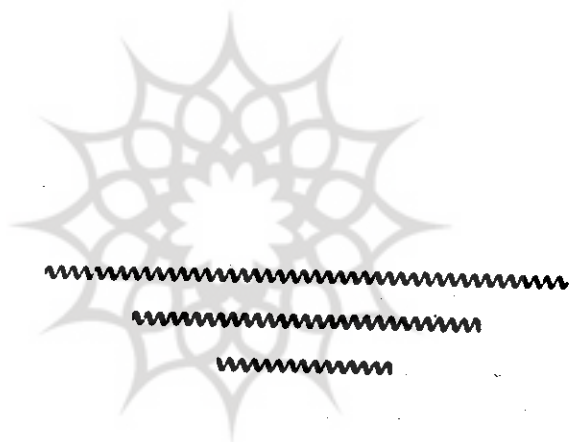
تمایز بین دو سیستم مذکور در بالا قرن‌ها اهمیت خود را محفوظ نگه‌داشته بود ولی امروزه آن‌اهمیت را از دست‌داده است زیرا اکنون آنچه اهمیت دارد آنست که بین تئوری تفتیشیه در دادگاه با آنچه که اصطلاحاً «مجادله قضائی» نامیده میشود تمیز گذاشت. بازجوئی از متهم نشانه ظاهری سیستم تفتیشیه است. هدف اساسی از دادرسی بر اساس سیستم تفتیشیه آنست که قاضی از طریق بررسی و تحقیق در مورد شکایت حقایق را شخصاً دریابد و سپس بر طبق موازین قانون تصمیم شایسته اتخاذ کند. در محاکم اولیه چانسلری این مطلب کاملاً دیده میشود یعنی دادخواست‌ها غالباً حاکی از این بود که خواننده دعوی مرتکب اعمالی مغایر قانون شده و از چانسلر

درخواست میگردید که بابررسیهای خود اعمال خوانده را به صورت صحیح درآورد و دستور جبران صادر کند. در «کامن لو» نظریه دیگری رواج داشت بدین معنی که قاضی را به منزله سر حکمی تلقی میکردند که زیر نظارت او متداعیین بطور منصفانه و متعارف بایکدیگر بمرافعه و دادرسی بپردازند و قطع نظر از جنبه کیفری یا مدنی ادعا - وظیفه شاکی بود که شکایت خود را بطور منجز اعلام کند و سیستم مجادله قضائی (مبادله لوایح) در کامن لو هدفش این بود که دعوائی را مآلاً در قالب خاص حقوقی شکل دهد اعم از آنکه دعوی مربوط به دلائل و ماهیت بوده و یا مربوط به مقررات و تشریفات دادرسی باتوجه به اینکه گفته شد قاضی بمنزله یک سرحکم تلقی میشود بجا خواهد بود اگر گفته شود که اصحاب دعوی، بازی مورد نظر خود را انتخاب میکنند و سرحکم هم دقت میکند که مقررات آن بازی صحیحاً رعایت گردد.

در امور کیفری باید منجزاً عنوان اتهام را نام برد و اگر اتهام مزبور مقرون بآدله مثبت نباشد دادگاه مکلف به اعلام برائت متهم است حتی اگر قاضی معتقد باشد که بجای اتهام مطروحه میتوان مورد را با اتهام دیگری منطبق کرد زیرا همانطور که گفتیم قاضی یک داور بیطرف بین دستگاه تعقیب و متهم است و اتهامی را که فاقد دلیل تشخیص داد، وظیفه اش منحصرأ اعلام برائت است و دیگر نمیتواند نقش یک بازپرس را ایفا کند تا بفهمد که متهم مرتکب نوع دیگری از قانون شکنی شده است یا خیر. نحوه دادرسی نوعاً علنی است ولی درپاره ای موارد از قبیل دعاوی خانوادگی بمنظور حفظ اسرار زناشویی و سایر ملاحظات، دادرسی غیرعلنی خواهد بود. در سیستم «کامن لو» وظیفه اساسی دادگاه احقاق حق و اجرای عدالت است و هرآینه نیل به این مقصود مستلزم سری بودن دادرسی باشد قاضی باید محاکمه را غیرعلنی انجام دهد.

در کلیه مسائل مربوط به امور پزشکی - جراحی - فیزیولوژیکی که مربوط به اخلاق حسنه و عفت عمومی میگردد جرائم حق ندارند آنها را منتشر سازند و از این جهت تفاوتی بین دعاوی کیفری و مدنی وجود ندارد و نیز قانون آسایش فکری و روحی افراد جامعه را مراعات کرده و مقرر داشته در مواردیکه دادرسی در حضور تماشاچی و مخبرین جرائم بعلت طبیعت مورد ایجاد اضطراب برای طرفین می نماید دادرسی بطور سری انجام پذیرد و در مورد دادرسی های مربوط به حمایت خانواده و جرائم اطفال، روزنامه ها حق ندارند هویت و مشخصات آنها را در روزنامه ها درج کنند و یا توضیحاتی بدهند و در جرائم مربوط به عفت عمومی و امور خصوصی مطلقاً تماشاچی و روزنامه نگار حق حضور ندارند و درج خبر بکلی ممنوع است و در سایر جرائم عمومی در حین تعقیب و رسیدگی و قبل از صدور حکم انتشار اخبار مربوطه صحیح نیست. دعوی نفی نسب نیز از جمله دعاوی است که قانوناً باید بطور سری رسیدگی گردد و هیچکس غیر از طرفین مربوطه حق حضور در جلسه دادگاه را ندارد و فلسفه این منع روشن است زیرا حیثیت و شخصیت فرزندی که مورد نفی قرار گرفته باید در نزد جامعه و مردم محفوظ و مصون بماند و کسی از

آن آگاه نگردد. باستثناء مواردیکه توضیح گردید در سیستم «کامن لو» علنی بودن دادرسی و بویژه حضور مخبرین روزنامه‌ها خود تضمینی است برای رعایت دموکراسی و پیش‌گیری از سوءاستفاده احتمالی از قدرت قضائی توسط محاکم. طرز محاکمه و فعالیت دستگاه عدالت خود موضوع مستقلی است که باید در ضمن مقاله جداگانه‌ای بیان گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی